

# پشت هیچستان هم جایی است!

بهمن آمین

اشاره:

نمایش «آزخوان طاس» نوشته یوزن یونسکو از سنین گذشته در سالن کوچک نمایش «مؤسسه دانشگاهی رسام هنر» به صحنه رفته است. مطالبی که زیلاً می‌خوانید به بهانه این خبر به نگارش درآمده است:

مطلبی که من تلاش می‌کنم بویسم تا خودم را کشف کنم، در واقع شما را هم کشف می‌کنم و به این دلیل سعی می‌کنم خودم را کشف کنم تا دیگران را کشف کرده باشم. «اوژن یونسکو» نمایشنامه‌نویس رومانیایی‌الصل فرانسوی هنگامی که نخستین نمایشنامه‌اش را نوشت آن را نمایشنامه تنمید بلکه ادعا کرد که نوشته‌ای پر خنده سیاسی نوشته است. هفتی «آزخوان طاس» را نوشته فکر می‌کردم غیر

**یونسکو: وقتی آزخوان طاس را نوشتیم فکر می‌کردم غیر ممکن است یک نمایشنامه برای اجرا بویسم و به این دلیل اسم آن را ضد نمایش گذاشتم**



ممکن است یک نمایشنامه برای اجرا بویسم و به این دلیل اسم آن را ضد نمایش گذاشتم. این گفته یونسکو شاید ناگهانی است بر این که آثار او تفاوت عمده‌ای با آثار رایج آن زمان داشت. هنگامی که نمایشگران سالوف با آثارهای رایج آن زمان به نمایش «آزخوان طاس» نشستند، عملیات سرکوب و تظاهرات شدید، آنها حاضر نمایش را با اعتراض ترک کرده و حتی عملیات اسیر شدند. در جریان به صحنه رفتن این نمایش اختلال ایجاد کردند. زیرا آنها حقیقت زندگی خود را بیعت و جریان روی صحنه برپیدند.

در واقع، یونسکو روابط حسنه اجتماعی را مورد انتقاد قرار داده و به ریاضی حمله کرده بود که خصوصیات اصلی خود را از دست داده و تبدیل به صخره‌ای ووت برکن شده بود.

پلیرقم اینکه در نمایش نه کسی آواز می‌خواند و نه سانس شخصیت کجایی دیده می‌شود نام نمایش «آزخوان طاس» است. شاید یونسکو این نام را برای نمایشنامه‌اش انتخاب می‌کرد تا بی‌هویتی شخصیت‌های نمایشی را بیشتر نشان دهد.

اما زمین اسلیپ! منتهی بنام «آزخوان طاس» اولین بار عنوانی تألیف

می‌برد، اگر سایل باشد، می‌تواند نام بوجی باشد. این بوجی که تا در جهان شاهد آن هستیم نظیر کسوف و ماه‌نی و محدودیت ادراک ماست. بعدها به همه چیز آگاهی خواهیم یافت.

نمایش و تفسیر دروسی در روابط شخصیت‌های نمایشنامه‌های یونسکو، مورد مهمی است که بر آن تأکید می‌شود. یونسکو حکیم نمی‌داند. راه پیش پای نمایشگر نمی‌گذارد، بلکه آنچه‌ها را بر سر درگم و دشمنی را معنوی می‌کند که تمام فکر پس از دیدن نمایش مجبور است با خود کند. برود و لحظاتی را با فکر بگذرانند. تفکری در خود و بازی خود از این مورد می‌گویند: «اس» و دیگران چند شخصیت در روز خود دارند با نمایش فراتر از این احوال ضد و نقیض هستند. فریبی که تصویر کردن این بهانه‌ها فقط در

**یونسکو بوجی را شناخت و یک گام از آن فراتر رفت یعنی آن سوی بوجی، آن سوی هیچستان که حتماً جایی است**

شایر ممکن است، به پراکندن آنها در گفتگوها و شخصیت‌های مختلف که با یکدیگر درمی‌نهند. در مقابل هم می‌ایستند، به هم‌دیگر جنگ می‌زنند و هم‌دیگر را کوهل می‌کنند. در واقع که آثار برای من سازه‌ای است که بتوانم به بهترین وجهی این تناقضات را تصویر کنم.

هر چند یونسکو پس از نگارش نخستین نمایش‌های خود مدل ضروری آورد تا ابدت می‌تواند گسترش دهد. اما پس از نمایش موفقیت آمیز «آزخوان طاس» که در سال ۱۹۵۳ به صحنه رفت، کارگردانان صاحب نامی چون ژان-لویی باروز به کارگردانی آثار او پرداختند. هرگز کارگردانان نمایشنامه‌های به ابدت جولانی در صحنه‌های معاصر نامزد آماندا تا نام ادولف و لاگندی فرانسوا به اجرا گذارند. او در سال ۱۹۶۹ به افتخار دریافت بزرگترین جایزه ملی آثار آماندا.

«هرگز نمایش یونسکو» با نمایشنامه‌های خود سخن گوید بوجی روابط گسترده‌ای در تمام ادیان و به نمایش بگذارد و ناسات گوناگون را به بازیگری وضعیت خود البته به به گونه‌ای شعاری. مجبور سارو، یونسکو بوجی را شناخت و یک گام از آن فراتر رفت یعنی آن سوی بوجی، آن سوی هیچستان که حتماً جایی است.

یوزن یونسکو در سال پیش روز ۲۸ مارس ۱۹۹۱ در سن ۸۱ سالگی در پاریس درگذشت.

بوجی را بر نمایشنامه‌های یونسکو اطلاع کرده هر چند یونسکو هیچ زمانی این عنوان را نپذیرفت اما از همان هنگام نخستین به نام آثار بوجی رایج شد و کسانی چون، ساموئل بکت، هارولد پینتر، فرناندو آریبال و... در این زمینه‌های جدید جای گرفتند. یونسکو در این اواخر از من گوید هرگز منوجه نمی‌شوم چرا من به عنوان یک نویسنده بوجی به افکار و نظریه بوجی می‌شناسد زیرا کسی که نخواهد بداند بوجی چیست، باید دقیقاً از طریق فلسفی به مفهوم بوجی می‌رسد باشد. البته می‌تواند بگویم من «آزخوان طاس» «نمایشنامه» «آزخوان طاس» و «نمایش